مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیأت‌علمی درباره وضعیت عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو در ایران

امین قنبری[1]

طیبه عباسی[2]

مجتبی امیری[3]

تاریخ دریافت : ۱۴۰۰/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش : ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

چکیده

یکی از اهداف سیستم گزینش دانشجو، تحقق عدالت هست. در همین راستا، این پژوهش باهدف بررسی عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو برای مقطع کارشناسی صورت گرفت. برای رسیدن به این هدف از روش پژوهش ترکیبی بهره برده شد. بدین شکل که ابتدا مصاحبه‌هایی با خبرگان انجام گرفت و نهایتاً با روش تحلیل مضمون مورد تحلیل قرار گرفتند و شاخص‌هایی از عدالت رویه‌ای برای بررسی سیستم گزینش دانشجو به دست آمد. سپس پرسشنامه‌ای تهیه و در اختیار دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی قرار داده شد تا در رابطه با میزان تحقق شاخص‌های مذکور در سیستم گزینش دانشجو، دیدگاه‌های آنان سنجیده شود. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی تحلیل شدند و یافته‌هایی به دست آمد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که از دیدگاه هر دو گروه دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی، سیستم گزینش دانشجو از جهت عدالت رویه‌ای در وضعیت مناسبی قرار ندارد. همچنین طبق

۱- دانشجوی دکتری رشته مدیریت دولتی- دانشکده مدیریت- دانشگاه تهران A.Ghanbari@ut.ac.ir

۲- استادیار رشته مدیریت دولتی- دانشکده مدیریت- دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) T.Abbasi@ut.ac.ir

۳ - دانشیار رشته مدیریت دولتی- دانشکده مدیریت- دانشگاه تهران Mamiry@ut.ac.ir

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

این یافته‌ها می‌توان گفت که اختلاف معنی‌داری میان دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در رابطه با میزان تحقق عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو وجود دارد.

کلمات کلیدی: عدالت رویه‌ای، سیستم گزینش دانشجو، دانشجویان، اعضای هیئت‌علمی.

مقدمه

در عصر کنونی که توسعه کشورها بر پایه دانش و پژوهش استوار است، اهمیت آموزش عالی و دانشگاه به‌عنوان نهاد علم و توسعه بیشتر از گذشته آشکار گشته است (نصراللهی نیا و علم‌الادیان، ۱۳۹۹)؛ و کشورهایی که دانشگاه‌های خود را به‌صورت درست و متناسب با نیازهای جامعه خود، مدیریت کرده‌اند، در امر توسعه پیشگام شده‌اند؛ بنابراین یکی از چالش‌های مهم هر دولتی در عصر حاضر، توسعه دانشگاه‌های کشور است (قاسمی راد، ۱۳۹۰). عوامل بسیاری در توسعه دانشگاه‌ها نقش دارند که یکی از آن‌ها چگونگی گزینش داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها می‌باشد (جمالی و باقی یزدل، ۱۳۹٦). ازآنجاکه دانشجو مهم‌ترین درونداد سیستم آموزش عالی کشور است، چگونگی گزینش دانشجو منجر به توسعه یا وخیم شدن اوضاع آموزش عالی کشور می‌شود؛ بنابراین باید از همان ابتدا به مسئله کیفیت اهمیت داد چراکه در صورت ورود داوطلبان بی‌کیفیت، دستیابی به اهداف اصلی سیستم آموزش عالی میسر نخواهد بود (مجتهدی، ۱۳۷۲).

در کشور ایران دسترسی به مناصب و موقعیت‌های برتر تا حد زیادی وابسته به تحصیل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است و همین امر باعث شده است که رقابت زیادی میان داوطلبان برای ورود به دانشگاه‌ها و رشته‌های پرطرفدار شکل گیرد؛ به‌عبارت‌دیگر باعث از بین رفتن تعادل بین عرضه و تقاضای ورود به آموزش عالی شده است؛ بنابراین در چنین موقعیتی (تقاضای بسیار زیاد برای ورود به آموزش عالی)، لزوم شیوه مناسب و عادلانه گزینش دانشجو اهمیت بسیار بیشتری پیدا می‌کند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

ازآنجاکه یکی از اهداف هر سیستم آموزشی، تحقق عدالت و از بین بردن نابرابری‌ها در جامعه می‌باشد (سباغ و رش[1]، ۲۰۱۶)، توجه به سیستم گزینش دانشجو از جهت عدالت نیز حائز اهمیت می‌شود (پراخوف و یادکویچ[2]، ۲۰۱۹). اساساً یکی از راه‌هایی که می‌توان از طریق آن بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی را در جامعه کم‌تر کرد نهادها و مراکز علمی و آموزشی می‌باشند چراکه افرادی که از طبقات پایین جامعه هستند یا در مناطق محروم زندگی می‌کنند می‌توانند از طریق ورود به مراکز علمی و آموزشی، در آینده به موقعیت‌های شغلی و اجتماعی بهتری دست پیدا کنند و از این طریق نابرابری‌های موجود در جامعه را کاهش دهند. دسترسی به این هدف تنها موقعی رخ می‌دهد که سیستم آموزش کشور (به‌صورت عام) و سیستم گزینش دانشجو (به‌صورت خاص) بر پایه عدالت استوار باشند؛ اما درصورتی‌که در جامعه‌ای، مدارس آن در مناطق مختلف ازلحاظ امکانات و کیفیت نابرابر باشند یا این‌که تنها عده‌ای با پایگاه اقتصادی بهتر یا پایگاه اجتماعی خاصی بتوانند در مدارس، دانشگاه‌ها و رشته‌های بهتر و پرطرفدارتر پذیرش شوند و تحصیل کنند، در چنین جامعه‌ای سیستم آموزش کشور و گزینش دانشجو نه‌تنها منجر به عدالت و برابری و کاهش فاصله طبقاتی نمی‌شود بلکه باعث عمیق‌تر شدن نابرابری و فاصله طبقاتی می‌شود؛ بنابراین لازم است که در عرصه‌های مختلف سیستم آموزش (اعم از آموزش‌وپرورش و آموزش عالی) به مسئله عدالت آموزشی توجه بسیاری گردد؛ یکی از این عرصه‌ها که بسیار مهم است و نقطه اتصال سیستم آموزش‌وپرورش و آموزش عالی در کشور ما می‌باشد، سیستم گزینش دانشجو برای ورود به مقطع کارشناسی است.

متأسفانه در کشور ما، به علت شیوه گزینش متمرکز، تستی بودن آزمون، وجود سهمیه‌های بسیار برای ورود به دانشگاه، رشد قارچ گونه مؤسسات کنکوری و فعالیت‌های آن‌ها و ... انتقادات زیادی نسبت به عدالت سیستم گزینش دانشجو مطرح می‌شود؛ انتقاداتی مبنی بر اینکه با این شرایط، نمی‌توان سیستم گزینش عادلانه‌ای داشت و با آن، داوطلب‌های شایسته را گزینش کرد. در برخی پژوهش‌ها (باقری خواه عارفی و جمالی، ۱۳۹۰) نیز، دانشجویان که بیشتر از همه تحت تأثیر سیستم گزینش دانشجو قرار می‌گیرند نسبت به آن، نارضایتی خود را ابراز کردند.

1. sabbagh and resh
2. prakhov and yadkevich,

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

در کشور ما پژوهش‌های اندکی در مورد سیستم گزینش دانشجو (به‌طورکلی) صورت گرفته است ولی در موردبررسی وضعیت عدالت در سیستم گزینش دانشجو (به‌صورت جامع) هیچ پژوهشی انجام‌نشده است؛ بنابراین هدف این پژوهش، بررسی وضعیت عدالت در سیستم گزینش دانشجو می‌باشد.

در بررسی عدالت در سیستم گزینش دانشجو، دو جنبه از عدالت قابل‌بررسی است: یکی مربوط به بررسی خط‌مشی‌ها، رویه‌های مربوط به‌گزینش دانشجو و اجرای آن‌ها از جهت عدالت (به‌طورکلی بررسی فرایند گزینش دانشجو از جهت عدالت) و دیگری بررسی نتایج حاصل از اجرای خط‌مشی‌ها، رویه‌های مربوط به‌گزینش دانشجو از جهت عدالت؛ مورد اول به عدالت رویه‌ای[1] و مورد دوم به عدالت توزیعی[2] اشاره دارد (پراخوف و همکاران، ۲۰۱۹).

عدالت توزیعی مربوط به اصولی می‌شود که توزیع منابع و نتایج حاصل از این توزیع را هدایت می‌کند (سباغ و همکاران، ۲۰۱٦) و اشاره به انصاف درک شده از نتایج یا تخصیص‌هایی که فرد دریافت می‌کند، دارد (ولز و نوس[3]، ۲۰۱۷). سه کهن‌الگوی اصول توزیع که ارزش‌های اساسی توزیع منابع را تعیین می‌کنند عبارتند از: مساوات[4] (به هرکدام با توجه به‌تساوی حسابی[5])، نیاز[6] (به هرکدام با توجه به نیازهای آن‌ها) و برابری[7] (به هرکدام با توجه به تلاش، مشارکت و توانایی آن‌ها) (سباغ و همکاران، ۲۰۱٦). به‌عبارت‌دیگر در عدالت توزیعی انتظار این است که نتایج، بر اساس سهم افراد از شایستگی[8]، مساوات یا نیاز، آن‌گونه که در یک سازمان توافق می‌شود، اختصاص داده شوند (گارسو[9] و همکاران، ۲۰۱۹).

1.Prucedural Justice
2.Distributive Justice
3. Velez and Neves
4. Equality
5. Arithmetic Equality
6. Need
7. Equity
8. Merit
9. Graso

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

عدالت رویه‌ای به ارزیابی عدالتِ رویه‌های توزیع منابع اشاره دارد (سباغ و همکاران، ۲۰۱۶)؛ به‌عبارت‌دیگر، این نوع عدالت بر روی ابزارهایی که برای تعیین نتایج مورداستفاده قرار می‌گیرند تمرکز می‌کند (ویلهوبر و کلوتیر[1]، ۲۰۰۸). در عدالت رویه‌ای، افراد بررسی می‌کنند که آیا خط‌مشی‌ها و رویه‌های مدیریت که فرایندی را تنظیم می‌کنند که منجر به نتایج تصمیم‌گیری می‌شود، منصفانه و عادلانه هستند یا نه؟(فی یین و یوسف[2]، ۲۰۱۶). عدالت رویه‌ای، زمانی حاصل می‌شود که رویه‌ها، منافع تمام گروه‌هایی را که نمایندگی می‌کنند، در نظر بگیرند؛ پایدار، خنثی و بی‌طرف باشند؛ بر اساس اطلاعات دقیق باشند؛ فرصت‌هایی را برای درخواست تجدید نتایج فراهم نمایند؛ و در راستای هنجارهای اخلاقی غالب باشند (گارسو و همکاران، ۲۰۱۹) اکثر افراد می‌خواهند که فرایندها و رویه‌هایی که برای تصمیم‌گیری در رابطه با توزیع نتایج مورداستفاده قرار می‌گیرند، صرف‌نظر از این‌که چه نتایجی را منجر می‌شوند، پایدار، باز[3] (شفاف) و منصفانه باشند. درواقع عادلانه بودن فرایندها می‌تواند به همان اندازه عادلانه بودن نتایج یا حتی بیشتر از آن‌ها اهمیت داشته باشد (لامبرت[4] و همکاران، ۲۰۱۹). به‌طور خلاصه می‌توان گفت که عدالت توزیعی به انصاف ادراک‌شده از نتایج مربوط می‌شود درحالی‌که عدالت رویه‌ای به انصاف ادراک‌شده از فرایندها و ابزارهای مورداستفاده در تعیین نتایج اشاره دارد (کانو[5]، ۲۰۰۳؛ ندیری و تانووا[6]، ۲۰۱۰) به‌عبارت‌دیگر عدالت توزیعی با نتایج سروکار دارد ولی عدالت رویه‌ای با فرایندها (خط‌مشی‌ها، رویه‌ها، قوانین و ابزارها) ارتباط دارد.

با توجه به روشن شدن دو بعد عدالت (رویه‌ای و توزیعی) لازم است گفته شود که در این پژوهش صرفاً عدالت رویه‌ای موردبررسی قرار می‌گیرد؛ بنابراین در این پژوهش، دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در مورد عدالت در خط‌مشی‌ها، رویه‌های مربوط به‌گزینش دانشجو برای مقطع کارشناسی (برای ورود به دانشگاه) و اجرای آن‌ها بررسی می‌شود و به نتایج آن‌ها (عدالت توزیعی) پرداخته نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت که هدف اصلی این

1. Cloutier and Vilhuber
2. Fee Yean and Yusof
3. Open
4. Lambert
5. Konow
6. Nadiri and Tanova

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.2008000.1399.12.4.6.9]

پژوهش، بررسی عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو (برای مقطع کارشناسی) در ایران می‌باشد. در همین راستا ابتدا لازم است شاخص‌هایی از عدالت رویه‌ای که بتوان به‌وسیله آن‌ها سیستم گزینش دانشجو را موردبررسی قرارداد اکتشاف کرد (هدف فرعی اول)؛ و نهایتاً دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در مورد وضعیت شاخص‌های به‌دست‌آمده در سیستم گزینش دانشجو بررسی می‌شوند (هدف فرعی دوم). با توجه به اهداف ذکرشده، می‌توان گفت سؤال اصلی پژوهش عبارت است از «سیستم گزینش دانشجو از جهت عدالت رویه‌ای از چه وضعیتی برخوردار است؟» همچنین سؤالات فرعی این پژوهش عبارتند از «شاخص‌های عدالت رویه‌ای برای بررسی سیستم گزینش دانشجو چیست؟» و «از منظر دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی، چقدر شاخص‌های عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو محقق شده‌اند؟»؛ بنابراین در این پژوهش ابتدا باکسانی که در حوزه گزینش دانشجو خبره می‌باشند مصاحبه‌هایی صورت می‌گیرد تا شاخص‌های عدالت رویه‌ای اکتشاف گردند. سپس شاخص‌های به‌دست‌آمده از طریق روش دلفی فازی، روایی سنجی می‌شوند و در آخر، دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در مورد سیستم گزینش دانشجو از جهت عدالت رویه‌ای گردآوری می‌شوند. نتایج پژوهش از این نظر که کمک می‌کند وضعیت عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو ارزشیابی شود، حائز اهمیت است. اگرچه برخی پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند به ابعاد و پیامدهای برخی تصمیمات در این زمینه توجه کنند، بااین‌حال پژوهشی نظام‌مند باهدف بررسی عدالت در سیستم گزینش دانشجو انجام نگرفته است.

باقری خواه و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، اعضای هیئت‌علمی و مسئولان ذی‌ربط آموزش عالی را در مورد وضعیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی (شیوه آزمون متمرکز، آزمون فراگیر، معدل کتبی، نمره علمی، سهمیه‌ها و جنسیت) را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان با برگزاری آزمون به‌صورت غیرمتمرکز موافقت نسبی دارند و اعضای هیئت‌علمی و مسئولین نیز با شیوه آزمون متمرکز موافق و با شیوه آزمون فراگیر مخالف می‌باشند. همچنین نتایج این پژوهش حاکی از این است که اکثریت دانشجویان با تأثیر ۱۵ درصدی عامل معدل کتبی، تأثیر ۵۰ درصدی نمره علمی، تأثیر سهمیه مناطق، عدم تأثیر سهمیه‌های رزمندگان، خانواده شهدا، شاهد و عدم اختصاص درصد یا ظرفیتی بر اساس جنسیت (رقابت بر اساس نمره علمی) موافق بودند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

اکثریت اعضای هیئت‌علمی نیز با تأثیر ۱۵ درصدی عامل معدل کتبی، تأثیر ۸۵ درصدی عامل نمره علمی، تأثیر سهمیه مناطق، تأثیر سهمیه‌های رزمندگان و خانواده شهدا به‌صورت ظرفیت اضافی، تأثیر سهمیه شاهد به‌صورت ۵ درصد ظرفیت اضافی و رقابت بر اساس نمره علمی موافق بودند. شاخص‌های مبنا در این پژوهش، صرفاً ابزارهای پیش‌بینی‌شده در قانون بوده است. این در حالی است که برای سیستم گزینش دانشجو شاخص‌های جامع‌تری نیاز است تا آن را به شیوه‌ای مطلوب‌تر به تصویر بکشد. همچنین این پژوهش از جهت عدالت به موضوع نگاه نکرده است.

در پژوهش دیگری، جمالی و همکارانش (۱۳۹۶) چالش‌های برمی‌گزینی در آزمون سراسری آموزش عالی را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، چالش‌ها در ابعاد آموزشی، فرهنگی- خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی موردتوجه بوده‌اند. یافته‌های پژوهش عدم تحقق عدالت آموزشی را به‌عنوان یکی از معایب شیوه برمی‌گزینی دانسته‌اند. همچنین مرکز تحقیقات و ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی سازمان سنجش (۱۳۸۸) پژوهشی در رابطه با پیامدهای برمی‌گزینی انجام داده و این پیامدها در ابعاد سیاسی، اجتماعی، روانی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، علمی (آموزشی) و جسمی بررسی شدند که در بعد اجتماعی، شیوه برمی‌گزینی در تضاد با عدالت تشخیص داده‌شده است.

قلخانباز و خدایی (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی، تأثیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی داوطلبان آزمون سراسری ۱۳۸۹ بر موفقیت تحصیلی آن‌ها بررسی کردند. نتایج بررسی آن‌ها نشان می‌داد که پایگاه اجتماعی و اقتصادی بر روی رتبه کشوری و موفقیت تحصیلی آن‌ها تأثیر مثبت داشته است. همچنین نوربخش و حائری (۱۳۹۰) در پژوهش خود (مطالعه جامعه‌شناسی موفقیت در کنکور) چنین نتیجه‌گیری کردند که داوطلبانی که از خانواده‌های با سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بالاتری هستند، در کنکور بیشتر موفق می‌شوند.

در پژوهش دیگری که جمالی (۱۳۹۱) انجام داده بود تأثیر موقعیت اقتصادی و اجتماعی داوطلبان گروه آزمایشی علوم انسانی بر روی نمرات آن‌ها در آزمون سراسری تأییدشده بود.

سجادی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی به بررسی واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری پرداختند. آن‌ها درنهایت هفت عاملِ خودانگیختگی، موقعیت طلبی، هدفمندی، سرعت عمل، راهبردهای یادگیری، محیط آموزشی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

و ویژگی‌های خانوادگی را به‌عنوان عوامل موفقیت افراد در آزمون سراسری معرفی نمودند. همچنین امیدیان، رحمتی و فرهادی راد (۱۳۹۷) در پژوهش خود، نوع دبیرستان، کلاس‌های کنکوری و وضعیت خانواده داوطلبان را ازجمله عوامل موفقیت داوطلبان در کنکور معرفی کرده‌اند.

در پژوهشی دیگر، مشیر زاده (۱۳۹۸) به آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری در آموزش عالی پرداخته است که از نتایج آن پژوهش، عدم روایی آزمون متمرکز برای گزینش دانشجو در مقطع دکتری بود.

پو[1] (۲۰۱۹) نیز در مطالعه‌ای به بررسی سیستم سهمیه‌بندی پذیرش در چین پرداخته است. او در این مطالعه، دو نوع سیستم سهمیه‌بندی را مقایسه نمود: سیستم سهمیه‌بندی استانی خاص (هر استان سهمیه‌ای خاص داشته باشد و رقابت به‌صورت استانی باشد) و ادغام سهمیه‌های استانی (رقابت به‌صورت کشوری باشد). او چنین نتیجه‌گیری کرد که سیستم سهمیه‌بندی استانی خاص باعث بی‌عدالتی و کاهش رفاه اجتماعی می‌شود؛ بنابراین دولت باید از این سیسنم به‌سوی ادغام سهمیه‌ها عدول نماید.

نیسن، مایر و تندیرو[2] (۲۰۱۷) در مطالعه‌ی خود به بررسی ادراکات داوطلبان از روش‌های مورداستفاده رویه‌های پذیرش دانشجو برای ورود به آموزش عالی با استفاده از نظریه عدالت سازمانی (عدالت رویه‌ای) پرداختند. آن‌ها ۱۱ بعد عدالت (روایی ظاهری، تفکیک متقاضیان، وابستگی به مطالعه، شانس انجام دادن، شواهد علمی، به‌طور گسترده استفاده شدن، حق استفاده کردن، سهولت فریب دادن، انتظار تلاش، گرمی میان فردی و تعرض به حریم خصوصی) را در ۹ روش مورداستفاده برای ورود به آموزش عالی (آزمون‌های آزمایشی، آزمون‌های موضوعی، پرسشنامه‌های شخصیتی، پرسشنامه‌های انگیزشی، آزمون‌های توانایی شناختی، نمرات دبیرستان، بیوگرافی، مصاحبه‌ها و بخت‌آزمایی) بررسی کردند.

1. Pu
2. Niessen, Meijer and Tendeiro

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

همه پژوهش‌های داخلی اشاره‌شده، نکات برجسته‌ای را در ارتباط با سیستم گزینش دانشجو اشاره می‌کنند. بااین‌حال هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها، باهدف بررسی عدالت در سیستم گزینش دانشجو صورت نگرفته است؛ به‌عبارت‌دیگر هیچ‌کدام از آن‌ها به‌صورت متمرکز موضوع عدالت را بررسی نکرده‌اند. همچنین برای بررسی عدالت در سیستم گزینش دانشجو، باید شاخص‌های بیشتر و جامع‌تری مدنظر باشد. علاوه بر این موارد باید دیدگاه ذی‌نفعان گوناگون در این رابطه اتخاذ گردد و احساس عدالت آن‌ها نیز بررسی شود.

از میان پژوهش‌های خارجی، تنها پژوهش نیسن و همکاران، به‌صورت متمرکز به بررسی عدالت در سیستم گزینش دانشجو پرداخته است. با توجه به اینکه این‌که این پژوهش در کشور سوئد صورت گرفته است و سیستم گزینش دانشجو در سوئد، تفاوت بسیاری با سیستم گزینش دانشجو در ایران دارد، نمی‌توان نتایج آن پژوهش را به سیستم گزینش دانشجو در ایران تعمیم داد؛ بنابراین لازم است که سیستم گزینش دانشجوی خود کشور ایران موردبررسی قرار گیرد.

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش پژوهش ترکیبی اکتشافی استفاده‌شده است در این طرح پژوهشی که به آن طرح سه مرحله‌ای هم گفته می‌شود، نخست داده‌های کیفی گردآوری و مورد تحلیل قرار می‌گیرند؛ مبتنی بر یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های کیفی، ابزار سنجش بخش کمی تدوین می‌شود و پس از گردآوری و تحلیل داده‌های کمی، یافته‌های حاصل از بخش کمی ارائه می‌شوند (کرسول و کرسول[1]، ۲۰۱۸: ۲۴۲). در بخش کیفی، شیوه جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه با خبرگان حوزه گزینش دانشجو بود. نمونه‌گیری به روش گلوله برفی انجام شد تا داده‌هایی باهدف اکتشاف شاخص‌های عدالت رویه‌ای که بتوان با آن‌ها سیستم گزینش دانشجو را بررسی نمود جمع‌آوری کرد. مصاحبه‌ها

1- Creswell

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

(باوجوداینکه در مصاحبه دهم اشباع نظری حاصل شد) تا مصاحبه پانزدهم ادامه یافتند. برای تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از فن تحلیل مضمون[1] استفاده شد و درمجموع، ۲۰ شاخص برای عدالت رویه‌ای به دست آمد. سپس این شاخص‌ها که بیانگر شاخص‌های عدالت رویه‌ای بودند برای روایی سنجی، در قالب پرسشنامه‌ای در اختیار ۱۰ خبره قرار داده شدند و داده‌های گردآوری‌شده (که در یک دور جمع‌آوری‌شده بودند) به‌وسیله روش دلفی‌فازی تحلیل شدند. پس از انجام تحلیل دلفی فازی، ۱۸ شاخص برای عدالت رویه‌ای تأیید شد. این شاخص‌ها عبارتند از: شفافیت در رویه‌ها و فرایند گزینش- میزان و نحوه تأثیر سوابق تحصیلی- انعکاس دیدگاه‌های معلمین سراسر کشور در طراحی سؤالات- جامع بودن سنجش- رعایت حقوق داوطلبان با توجه به تغییر نظام‌های آموزش‌وپرورش (نظام قدیم و جدید)- شرایط مناسب و یکسان حوزه‌های برگزاری آزمون- ارائه مشاوره لازم و یکسان به همه داوطلبان کشور- اطلاع‌رسانی به‌موقع و درست به تمام داوطلبان در مناطق مختلف کشور- پاسخگویی یکسان به همه داوطلبان- توجه به افراد کم‌توان- فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان (جنسیتی، مذهبی، قومیتی و اجتماعی)- دسترسی برابر افراد در انتخاب دانشگاه‌های کشور- توجه به امکانات و محرومیت‌های مناطق- عدم تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در سنجش آنان- مشارکت ذی‌نفعان در فرایند گزینش (همان پذیرش غیرمتمرکز)- ایمن بودن کنکور (امنیت کنکور)- ارائه فرصت‌های متعدد به داوطلبین برای ورود به دانشگاه- توزیع مناسب افراد در رشته‌ها و دانشگاه‌ها. سپس بر اساس شاخص‌های ذکرشده پرسشنامه‌ای[2] محقق ساخته در قالب طیف لیکرت[3] تهیه گردید (روایی این پرسشنامه، همان‌طور که گفته شد به‌وسیله ارائه آن به ۱۰ متخصص (روایی ظاهری) به دست آمد همچنین ازآنجاکه ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۱ بود (که بالاتر از ۰/۷ است) علم به پایایی این پرسشنامه حاصل شد) و

1- Thematic Analysis

۲. پرسشنامه در پیوست شماره یک قابل‌مشاهده است.

۳. گزینه‌های پرسشنامه شامل خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد بود و شیوه نمره‌گذاری آن‌ها هم بدین‌صورت بود که در سؤالاتی که ماهیت مثبت داشتند (مانند سؤال یک پرسشنامه) برای گزینه‌های خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد به ترتیب اعداد ۱ تا ۵ و در سؤالاتی که ماهیت منفی داشتند (مانند سؤال بیست پرسشنامه) برای گزینه‌های خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد به ترتیب اعداد ۵ تا ۱ نمره‌گذاری شد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

به‌صورت حضوری به ۳۹۱ دانشجو[1] مقطع کارشناسی (به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای از استان‌های تهران، قم، مرکزی، کرمانشاه، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی انتخاب شدند) (مشخصات دانشجویان در جدول شماره یک آمده است). و ۲۰ نفر از اعضای هیئت‌علمی که درزمینهٔ گزینش دانشجو مشارکت داشتند[2] (از سازمان سنجش آموزش کشور، سازمان سنجش آموزش پزشکی و مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی) داده شد. داده‌های گردآوری‌شده، به‌وسیله آمار توصیفی (میانگین) و آمار استنباطی (آزمون‌های میانگین یک جامعه، مقایسه میانگین دو جامعه) مورد تحلیل قرار گرفتند.

جدول شماره یک: مشخصات دانشجویان

میزان تحصیلات	جنسیت	گروه آزمایشی	دانشگاه	استان
همه ۳۹۱ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی می‌باشند	مرد (۲۰۵ نفر) زن (۱۸۳ نفر) نامشخص (۳ نفر)	گروه آزمایشی علوم انسانی (۸۵ نفر) گروه آزمایشی ریاضی (۱۸۱ نفر) گروه آزمایشی علوم تجربی (۹٤ نفر) گروه آزمایشی زبان‌های خارجی (۲٦ نفر) نامشخص (۵ نفر)	دانشگاه علامه طباطبایی (۲۸ نفر) دانشگاه اراک (٤۱ نفر) دانشگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی (۳۰ نفر) دانشگاه علوم پزشکی ارومیه (۳۱ نفر) دانشگاه علوم پزشکی اراک (۱۳ نفر)	تهران (۱۷٤ نفر) مرکزی (٥٤ نفر) کرمانشاه (٦۱ نفر) آذربایجان شرقی (۲۹ نفر) آذربایجان غربی (۳۱ نفر) قم (٤۲ نفر)

۱. بر اساس جدول مورگان، درصورتی‌که حجم جامعه صد هزار یا بیشتر باشد، حجم نمونه حداقل باید ۳۸٤ مورد باشد.

۲. ازآنجاکه مسئله گزینش دانشجو یک مسئله تخصصی است، نیاز بود کسانی در پژوهش مشارکت داشته باشند که با قوانین و فرایندهای گزینش دانشجو آشنا باشند. به همین دلیل، اعضای هیئت‌علمی که به نحوی در موضوع گزینش دانشجو درگیر هستند به‌عنوان جامعه پژوهش انتخاب شدند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

			دانشگاه علوم پزشکی تهران (٤٢ نفر) دانشگاه قم (٤٢ نفر) دانشگاه رازی (٦١ نفر) دانشگاه تهران (٧٤ نفر) دانشگاه تبریز (٢٩ نفر)	

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

برای بررسی دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در مورد هرکدام از شاخص‌های عدالت رویه‌ای، از آمار توصیفی استفاده شد و میانگین دیدگاه‌های آنان در مورد هر شاخص در جدول شماره دو قابل‌مشاهده می‌باشد.

جدول شماره شش: میانگین دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در مورد شاخص‌های عدالت رویه‌ای

شماره	شاخص	دانشجویان	اعضای هیئت‌علمی
١	شفافیت در رویه‌ها و فرایند	٢/٤	٣/١٥
٢	میزان و نحوه تأثیر سوابق تحصیلی	٢/٢٢	٢/٢٦
٣	انعکاس دیدگاه‌های معلمین سراسر کشور در طراحی سؤالات	٢/٤٤	٢/٠٦
٤	جامع بودن سنجش داوطلبین	٢/٢٢	٢/٥٨
٥	رعایت حقوق داوطلبان با توجه به تغییر نظام‌های آموزش‌وپرورش (نظام قدیم و جدید)	٢/٢٤	٢/٥٣
٦	شرایط مناسب و یکسان حوزه‌های برگزاری آزمون	٢/٣٣	٢/٧١
٧	ارائه مشاوره لازم و یکسان به همه داوطلبان کشور	٢/٤٥	٢/٧٨
٨	اطلاع‌رسانی به‌موقع و درست به تمام داوطلبان در مناطق مختلف کشور	٣/٣٢	٣/٨٩

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

۹	پاسخگویی یکسان به همه داوطلبان	۲/۲۸	۳/۱٤
۱۰	توجه به افراد کم‌توان	۲/٦۷	۳/۰٦
۱۱	فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان (جنسیتی، مذهبی، قومیتی و اجتماعی)	۲/٦۸	۳/۲۸
۱۱-۱	فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان (ازلحاظ جنسیتی)	۲/۹٥	۳/۷٤
۱۱-۲	فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان (ازلحاظ دینی و مذهبی)	۲/۷٥	۳/٥۸
۱۱-۳	فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان (ازلحاظ قومیتی)	۳/۳۱	۳/۹٤
۱۱-٤	فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان (ازلحاظ طبقات اجتماعی)	۱/۷٦	۱/۸٤
۱۲	دسترسی برابر افراد در انتخاب دانشگاه‌های کشور	۲/٤۱	۲/۳۲
۱۳	توجه به امکانات و محرومیت‌های مناطق	۲/٤٤	۲/۷
۱٤	تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در سنجش آنان[1]	۲/۲۲	۲/٦۲
۱٤-۱	تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در موفقیت آنان در کنکور	۱/۹٥	۲/٦
۱٤-۲	تأثیر شرکت در کلاس‌های کنکوری و داشتن معلم خصوصی در موفقیت داوطلبان	۲/٤۹	۲/٦٥
۱٥	مشارکت ذی‌نفعان در فرایند گزینش	۲/٦۹	۳/۳٥
۱٦	ایمن بودن کنکور (امنیت کنکور)[2]	۳	٤
۱۷	ارائه فرصت‌های متعدد به داوطلبین برای ورود به دانشگاه	۲/٤۳	۲/۱

۱. ازآنجاکه این شاخص و دو زیر شاخص مربوط به آن، ماهیت منفی دارند به‌صورت عکس تحلیل می‌شوند.

۲. امنیت کنکور اصطلاحی است در رابطه با عدم فروش سؤالات کنکور، فاش نشدن آن‌ها و ... این شاخص یکی از شاخص‌های عدالت در سیستم گزینش دانشجو است چراکه درصورتی‌که عده‌ای سؤالات آزمون را از قبل داشته باشند دیگر برابری شرایط بین داوطلبان از بین می‌رود.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

۱۸	توزیع مناسب افراد در رشته‌ها و دانشگاه‌ها	۲/۲۸	۲/۳۹

نتایج تحلیل، نشان‌دهنده این هستند که طبق دیدگاه هردو گروه (دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی) اکثر شاخص‌های عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو در وضعیت نامناسبی قرار دارند (میانگین دیدگاه‌های آن‌ها کمتر از حد متوسط یعنی ۳ است) و تنها سه مورد است که ازنظر هر دو گروه جامعه هدف وضعیت نسبتاً مناسبی دارند؛ به‌موقع و مناسب بودن اطلاع‌رسانی‌های سازمان سنجش، برابری داوطلبان از جهت قومیتی و امنیت کنکور.

از سوی دیگر در مورد شاخص‌های ((میزان و نحوه تأثیر سوابق تحصیلی؛ انعکاس دیدگاه‌های معلمین سراسر کشور در طراحی سؤالات؛ جامع بودن سنجش داوطلبین؛ رعایت حقوق داوطلبان با توجه به تغییر نظام‌های آموزش‌وپرورش (نظام قدیم و جدید)؛ شرایط مناسب و یکسان حوزه‌های برگزاری آزمون؛ ارائه مشاوره لازم و یکسان به همه داوطلبان کشور؛ فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان (ازلحاظ طبقات اجتماعی)؛ دسترسی برابر افراد در انتخاب دانشگاه‌های کشور؛ توجه به امکانات و محرومیت‌های مناطق؛ تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در سنجش آنان (تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در موفقیت آنان در کنکور؛ تأثیر شرکت در کلاس‌های کنکوری و داشتن معلم خصوصی در موفقیت داوطلبان)؛ ارائه فرصت‌های متعدد به داوطلبین برای ورود به دانشگاه و توزیع مناسب افراد در رشته‌ها و دانشگاه‌ها)) هر دو گروه اتفاق‌نظر دارند که این شاخص‌ها در سیستم گزینش دانشجو در ایران در وضعیت مناسبی قرار ندارند.

در برخی شاخص‌ها نیز دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی باهم فرق دارند؛ به این صورت که اعضای هیئت‌علمی قائل به این هستند که این شاخص‌ها، وضعیت مناسبی در سیستم گزینش دانشجو دارند اما دانشجویان بر این باورند که این شاخص‌ها در سیستم گزینش دانشجو از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. این شاخص‌ها عبارتند

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

از: شفافیت در رویه‌ها و فرایند گزینش دانشجو؛ پاسخگویی یکسان به همه داوطلبان؛ توجه به افراد کم‌توان؛ فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان[1] و مشارکت ذی‌نفعان در فرایند گزینش.

همچنین به‌منظور بررسی دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در مورد میزان تحقق عدالت رویه‌ای (که مرکب از همه‌ی شاخص‌های ذکرشده است) در سیستم گزینش دانشجو، آزمون میانگین یک جامعه به کار گرفته شد. نتایج آزمون میانگین یک جامعه (دانشجویان) در مورد میزان تحقق عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو در جدول‌های شماره سه و چهار آمده است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری برابر با صفر است، می‌توان گفت که اختلاف معنی‌داری میان میانگین نظرات دانشجویان و مقدار آزمون (عدد ۳) وجود دارد، همچنین ازآنجاکه حد پایین و بالای فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای میانگین متغیر عدالت رویه‌ای، منفی می‌باشند، باید گفت که میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در مورد میزان عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو کمتر از عدد ۳ است (۲/٤۸)؛ بنابراین، طبق نظر دانشجویان، عدالت رویه‌ای کمتر از حد متوسط در سیستم گزینش دانشجو تحقق پیداکرده است.

جدول شماره سه: نتیجه آزمون میانگین یک جامعه (دانشجویان)

	تعداد داده‌ها	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
عدالت رویه‌ای	۳۹۱	۲/٤۸۵۳	۰/٤٥٤۳٦	.۰/۰۲۲۹۸

۱. به‌طورکلی برای سنجش این شاخص، چهار سؤال مطرح گردید (برابری جنسیتی، برابری دینی مذهبی، برابری قومیتی و برابری طبقات اجتماعی). در مورد برابری قومیتی میانگین دیدگاه‌های هر دو گروه بیشتر از حد متوسط بود و در مورد برابری طبقات اجتماعی، میانگین دیدگاه‌های هر دو گروه کمتر از حد متوسط بود؛ اما در دو مورد دیگر (برابری جنسیتی و برابری قومی- مذهبی در ورود به دانشگاه)، دیدگاه‌های دو گروه باهم تفاوت داشتند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

جدول شماره چهار: نتیجه آزمون میانگین یک جامعه (دانشجویان)

	مقدار آزمون=۳					
	مقدار آماره تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
					حد پایین	حد بالا
عدالت رویه‌ای	-۲۲/۳۹۷	۳۹۰	۰/۰۰۰	-۰/۵۱٤٦٥	-۰/۵۵۹۸	/٤٦۹٥ -۰

همچنین نتایج تحلیل دیدگاه‌های اعضای هیئت‌علمی در مورد میزان تحقق عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو که به‌وسیله آزمون میانگین یک جامعه انجام شد در جدول‌های شماره پنج و شش آمده است. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی‌داری، بیش از ۵ درصد است، اختلاف معنی‌داری میان میانگین دیدگاه‌های اعضای هیئت‌علمی و مقدار آزمون (عدد ۳) وجود ندارد، همچنین ازآنجاکه حد پایین فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای میانگین متغیر عدالت رویه‌ای منفی است و حد بالای آن مثبت است باید گفت که میانگین این متغیر (عدالت رویه‌ای) می‌تواند با تسامح معادل ۳ در نظر گرفته شود (۲/۸۵)؛ بنابراین، می‌توان با تسامح گفت که طبق نظر اعضای هیئت‌علمی، عدالت رویه‌ای در حد متوسط در سیستم گزینش دانشجو محقق شده است.

جدول شماره پنج: نتیجه آزمون میانگین یک جامعه (اعضای هیئت‌علمی)

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

	تعداد داده‌ها	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
عدالت رویه‌ای	۲۰	۲/۸۴۷۲	۰/٤٤۰۰۷	۰/۰۹۸٤۰

جدول شماره شش: نتیجه آزمون میانگین یک جامعه (اعضای هیئت‌علمی)

	مقدار آزمون= ۳					
					فاصله اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
	مقدار آماره تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین	حد پایین	حد بالا
عدالت رویه‌ای	-۱/۵۵۳	۱۹	۰/۱۳۷	-۰/۱۵۲۸۲	-۰/۳۵۸۸	۰/۰۵۳۱

برای مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در مورد میزان تحقق عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه استفاده شد. با توجه به اینکه در آزمون تساوی دو میانگین، سطح معنی‌داری برابر بود با ۰/۰۰۱ و از پنج درصد کمتر است، می‌توان گفت که میان میانگین دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در مورد میزان تحقق عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو اختلاف معنی‌داری وجود دارد. میانگین دیدگاه‌های دانشجویان برابر با ۲/٤۸ است و میانگین دیدگاه‌های اعضای هیئت‌علمی برابر با ۲/۸۵ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت باوجوداینکه هر دو گروه دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی میزان رعایت عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو را کمتر از حد متوسط می‌دانند، بین این دو گروه نیز اختلاف دیدگاه وجود دارد بدین‌صورت که

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

دانشجویان (نسبت به اعضای هیئت‌علمی)، میزان رعایت عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو را بسیار کمتر می‌دانند.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی و ارزیابی هر قانون یکی از اقدامات مهمی است که مشخص می‌کند یک قانون چگونه اجراشده است؛ اینکه آیا مقاصد و نتایج پیش‌بینی‌شده را در عمل جامه عمل پوشانده است یا نه؟ مفیدترین جنبه این مرحله، یادگیری پویایی هست که در میان قانون‌گذاران و سایر بازیگران رخ می‌دهد. بر این مبنا، فارغ از اینکه چنین تحلیلی به چه شیوه‌ای و با چه رویکردی انجام گیرد، هدف آن بررسی و ارزیابی قوانین و پیش‌بینی تغییرات تدریجی یا پویایی احتمالی است. از سوی دیگر، به‌منظور ارائه تصویری واقع‌بینانه از اجرای قوانین، ضرورت دارد چنین بررسی و ارزیابی‌ای از دیدگاه کاربران و ذی‌نفعان قانون انجام پذیرد. هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان تحقق عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو بوده است. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، برای تحقق هدف پژوهش، با توجه به سؤال اول پژوهش (شاخص‌های عدالت رویه‌ای برای بررسی سیستم گزینش دانشجو چیست؟)، نیاز بود شاخص‌هایی برای عدالت رویه‌ای متناسب با سیستم گزینش دانشجو در ایران مشخص شود اما با توجه به این‌که در میان پژوهش‌های قبلی چنین شاخص‌هایی پیدا نشد، برای شناسایی آن‌ها روش مصاحبه با نخبگان به کار گرفته شد. شاخص‌های به‌دست‌آمده برای عدالت رویه‌ای عبارت بودند از: شفافیت در رویه‌ها و فرایند گزینش- میزان و نحوه تأثیر سوابق تحصیلی- انعکاس دیدگاه‌های معلمین سراسر کشور در طراحی سؤالات- جامع بودن سنجش- رعایت حقوق داوطلبان با توجه به تغییر نظام‌های آموزش‌وپرورش (نظام قدیم و جدید)- شرایط مناسب و یکسان حوزه‌های برگزاری آزمون- ارائه مشاوره لازم و یکسان به همه داوطلبان کشور- اطلاع‌رسانی به‌موقع و درست به تمام داوطلبان در مناطق مختلف کشور- پاسخگویی یکسان به همه داوطلبان- توجه به افراد کم‌توان- فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان (جنسیتی، مذهبی، قومیتی و اجتماعی)- دسترسی برابر افراد در انتخاب دانشگاه‌های کشور- توجه به امکانات و محرومیت‌های مناطق- عدم تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در سنجش آنان- مشارکت ذی‌نفعان در فرایند گزینش (همان پذیرش غیرمتمرکز)- ایمن بودن کنکور (امنیت کنکور)- ارائه فرصت‌های متعدد به داوطلبین برای ورود به دانشگاه- توزیع مناسب افراد در

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

رشته‌ها و دانشگاه‌ها. چنین شاخص‌هایی با شاخص‌هایی که نیسن و همکاران (۲۰۱۶) تفاوت‌های زیادی دارند دلیل این تفاوت، این است که شاخص‌های نیسن و همکاران (۲۰۱۶) برای کشور سوئد و متناسب با بستر و شیوه گزینش دانشجو در سوئد طراحی‌شده‌اند درحالی‌که شاخص‌های پژوهش حاضر متناسب با سیستم گزینش دانشجو در ایران می‌باشند.

برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش (از منظر دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی، چقدر شاخص‌های عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو محقق شده‌اند؟) شاخص‌های گردآوری‌شده در قالب پرسشنامه در اختیار دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی قرار داده شد تا دیدگاه‌های آنان در رابطه با میزان تحقق شاخص‌های عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو در ایران سنجیده شود.

به‌طورکلی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تنها در مورد تعداد کمی از شاخص‌ها (سه مورد)، هر دو گروه بر این باورند که آن شاخص‌ها وضعیت مناسبی در سیستم گزینش دانشجو دارند. به‌عنوان نمونه از دیدگاه هر دو گروه، شاخص «به‌موقع و مناسب بودن اطلاع‌رسانی‌های سازمان سنجش» وضعیت مناسبی دارد و چنین دیدگاهی منطقی به نظر می‌رسد چراکه بعد از سال‌ها تجربه سازمان سنجش در ارتباط با برگزاری کنکور، مکانیک‌ها و فرایندهایی که در این زمینه تعبیه کرده، به نحوی در جامعه نهادینه‌شده است و خود سازمان سنجش نیز در این زمینه صاحب‌تجربه گشته است. چنین یافته‌ای در پژوهش باقری خواه وهمکاران (۱۳۹۰) نیز مورد تأیید واقع‌شده است. همچنین دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در مورد «برابری داوطلبان از جهت قومیتی» و «امنیت کنکور» نیز رضایت‌بخش است.

بااین‌حال چنین نگاه مثبتی در مورد سایر شاخص‌های موردبررسی در پژوهش مصداق ندارد. برای مثال «تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان بر موفقیت در کنکور» ازجمله شاخص‌هایی است که در این بررسی وضعیت نامطلوبی داشت و داده‌های حاصل از پژوهش تأیید می‌کردند که کسانی که وضعیت اقتصادی بهتری دارند در کنکور موفق‌تر هستند. چنین یافته‌هایی در راستای برخی پژوهش‌ها است. نوربخش و حائری در پژوهشی که در سال ۱۳۹۰ انجام داده‌اند بر تأثیر سرمایه اقتصادی بر کنکور و موفقیت در آن تأکید کرده‌اند. قلخانباز و خدایی (۱۳۹۳) نیز تأثیر پایگاه اجتماعی و

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

اقتصادی را بر موفقیت در کنکور، مثبت ارزیابی کرده‌اند. همچنین امیدیان و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود، وضعیت خانواده داوطلبان را از عوامل زمینه‌ای موفقیت داوطلبان در کنکور دانسته‌اند. پژوهش جمالی (۱۳۹۱) نیز تأثیر عوامل اقتصادی را بر نمرات داوطلبان در آزمون سراسری تأیید می‌کرد. پیامد چنین چیزی، شکاف طبقاتی در جامعه است. ازآنجاکه یکی از چیزهایی که می‌تواند طبقات اجتماعی افراد را تعیین کند، آموزش عالی است، بنابراین می‌توان گفت وقتی‌که سیستم گزینش دانشجو به‌گونه‌ای باشد که افراد با موقعیت اقتصادی بهتر بتوانند به دانشگاه‌ها و رشته‌های برتر دست یابند باید انتظار یک شکاف طبقاتی و اجتماعی را در جامعه داشت. با توجه به اینکه حذف تأثیر پایگاه و وضعیت اقتصادی افراد در ورود آن‌ها به آموزش عالی عملاً ممکن نیست، لازم است تلاش شود که این تأثیر کاهش یابد؛ همچنین نیاز است که اقدامات بنیادی (برای مثال: ارتقاء کیفیت آموزش‌وپرورش استان‌های محروم) در این زمینه صورت گیرد که پرداختن به آن‌ها از حوزه این پژوهش خارج است.

ازجمله شاخص‌های دیگر که نتایج تحلیلش موردتوجه است، «دسترسی برابر افراد در انتخاب دانشگاه‌های کشور» است که از دیدگاه جامعه هدف، اگر چنین قصدی در سیستم گزینش دانشجو مدنظر بوده است در عمل محقق نشده است. پیامد مستقیم چنین رویه‌ای، عدم امکان تفکیک روا و منصفانه افراد شایسته و توانمند از سایرین خواهد بود. یافته‌های برخی پژوهش نیز چنین تحلیلی را تصدیق می‌کند. جمالی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی، چالش‌های برمی‌گزینی را در ابعاد آموزشی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی مطرح کردند و به‌طور ویژه از جهت آموزشی، به کاهش میزان دسترسی افراد نخبه به دانشگاه‌های برتر اشاره می‌کنند. پژوهش مهرعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) نیز لحاظ نکردن استعدادهای افراد و مجبور شدن آن‌ها در فضای تنگ بومی را از آسیب‌های مهم طرح برمی‌گزینی می‌شمرند و به‌نوعی آن را مانع برقراری عدالت آموزشی قلمداد می‌کنند. همچنین می‌توان گفت با توجه به اینکه دانشگاه‌های برتر در تعداد معدودی از استان‌ها قرار دارند، این طرح، منجر به بی‌عدالتی می‌شود؛ بنابراین لازم است نسبت به این طرح که بیش از یک دهه از اجرای آن می‌گذرد تجدیدنظری صورت گیرد.

میزان و نحوه تأثیر سوابق تحصیلی شاخص دیگری بود که هر دو گروه جامعه هدف، دیدگاهی منفی نسبت به عدالت آن داشتند. چنین نتیجه‌ای نیز با یافته‌های پژوهش باقری خواه همکاران (۱۳۹۰) تقویت می‌شود. یافته‌های آن‌ها نشان

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

می‌داد که دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی، نسبت به تأثیر زیاد سوابق تحصیلی در گزینش دانشجو ناراضی هستند. نکته جالب این است که باوجوداینکه بیش از یک دهه از تصویب این طرح می‌گذرد اما هنوز به دلیل مشکلات فنی و. سازمان سنجش نتوانسته است این طرح را به‌طور کامل اجرا نماید؛ بنابراین لازم است قبل از اینکه خط‌مشی‌گذاران چیزی را تصویب نمایند امکان عملیاتی کردن آن و پیامدهای آن را نیز در نظر بگیرند. همچنین باید گفت که قبل از هرگونه تصمیمی در خصوص لحاظ کردن سوابق تحصیلی (افزایش میزان تأثیر آن) در گزینش دانشجو، لازم است که از اموری مانند استانداردسازی مدارس و امتحانات پایانی و توانایی نظارت قوی مطمئن بود.

یکی دیگر از شاخص‌هایی که نتایجش بسیار قابل‌تأمل است، فرصت برابر طبقات اجتماعی برای ورود به دانشگاه می‌باشد. نتایج این پژوهش حاکی از این بود که این شاخص نسبت به سایر شاخص‌ها، در بدترین وضعیت از جهت عدالت قرار دارد. چنین یافته‌ای با یافته‌های جمالی (۱۳۹۱) نیز همخوانی دارد. این نابرابری ادراک‌شده تا حدود زیادی به دلیل وجود سهمیه‌ها و امتیازاتی که برای برخی طبقات اجتماعی هست می‌باشد. برخی از پیامدهای چنین رویه‌ای عبارتند از: ورود افراد کم‌توان به دانشگاه‌ها (و در مقابل، عدم ورود افراد با توانایی بیشتر به دانشگاه‌ها) که خود پیامدهای گسترده‌ای دارد، ایجاد بی‌اعتمادی در میان مردم نسبت به خط‌مشی‌گذاران و ایجاد شکاف اجتماعی در جامعه؛ بنابراین ابتدا لازم است خط‌مشی‌گذاران نگاهشان را به آموزش عالی و دانشگاه‌ها تغییر دهند و به دانشگاه به‌عنوان یک‌نهاد علم محور و تخصصی نگاه کنند (چراکه در حال حاضر در نگاه خط‌مشی‌گذاران، دانشگاه یک‌نهاد صرفاً علمی و تخصصی نمی‌باشد بلکه علاوه بر آن، دانشگاه‌ها را به‌عنوان بخشی از فرایندهای سیاسی و مکان مناسبی برای آموزش‌های ایدئولوژیک می‌بینند (حلاج دهقانی، فتحی‌واجارگاه، خسروی و پوشنه، ۱۳۹۸))؛ سپس نسبت به سامان‌دهی سهمیه‌ها و امتیازات فراوانی که برای برخی طبقات اجتماعی وجود دارد، اقدامی نماید. به‌عنوان‌مثال می‌توان به‌جای دادن سهمیه به برخی گروه‌ها، نسبت به توانمند ساختن آن‌ها اقدام کرد.

شاخص دیگری که هر دو گروه دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی، (بادید منفی) بر آن اجماع داشتند، «جامع بودن سنجش داوطلبین» بود. هر دو گروه معتقد بودند که در حال حاضر، شیوه فعلی سنجش داوطلبین (آزمون سراسری)، جامع نیست و تمام توانایی‌ها و استعدادهای افراد را نمی‌سنجد؛ بنابراین می‌توان گفت که طبق دیدگاه این دو گروه،

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

آزمون سراسری بر اساس طبقه‌بندی تجدیدنظر شده بلوم از اهداف شناختی، بیشتر، سطوح پایین‌تر را می‌سنجد. طبقه‌بندی تجدیدنظر شده بلوم شامل شش سطح بود که از پایین به بالا عبارتند از: به یادآوردن، فهمیدن، به کار بستن، تحلیل کردن، ارزیابی کردن و آفریدن (ذوالفقار نسب، محمدی و حاتمی، ۱۳۹۶). برای توضیح این مطلب، لازم است که به بررسی مسئله متمرکز بودن شیوه گزینش دانشجو (که خود یکی از شاخص‌ها بود)، پرداخته شود. از دیدگاه دانشجویان[۱]، شیوه گزینش متمرکز دانشجو، در تحقق عدالت ناموفق است. این شیوه (گزینش متمرکز) نمی‌تواند تمام توانایی‌ها و شایستگی‌های داوطلبان را سنجش کند و صرفاً توانایی‌های سطحی (بر اساس طبقه‌بندی بلوم) را می‌سنجد؛ بنابراین ازآنجا تمام توانایی‌های افراد سنجیده نمی‌شود، ممکن است افرادی که واقعاً شایسته ورود به دانشگاه هستند پذیرش نشوند و برعکس، کسانی با توانایی‌های کمتر، پذیرش شوند. شاید بتوان با جرأت چنین گفت که وجود چنین شیوه‌ای است که باعث شده است این‌همه مؤسسات کنکوری به وجود آید و به بهانه کنکور، فعالیت خود را چنان گسترش دادند که دانش‌آموزان سال‌ها قبل از کنکور به این مؤسسات رجوع می‌کنند. همچنین، این شیوه گزینش، باعث خدشه‌دار شدن استقلال دانشگاه‌ها (که یک اصل پذیرفته‌شده در آموزش عالی است) می‌شود. این نتایج با یافته‌های مشیرزاده (۱۳۹۸) همخوانی دارد چراکه یافته‌های او نشان می‌دهد که آزمون متمرکز اگرچه دارای پایایی است ولی روایی کافی ندارد؛ بنابراین لازم است که موضوع پذیرش از سنجش جدا شود و به عهده خود دانشگاه‌ها گذاشته شود.

از سوی دیگر در ارتباط با برخی شاخص‌ها، دیدگاه دو جامعه هدف متفاوت است. برای مثال، در مورد «شفافیت در فرایندها و رویه‌های گزینش دانشجو» و «پاسخگویی یکسان سازمان سنجش به اعتراضات»، دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی متفاوت بوده و برخلاف دانشجویان، اعضای هیئت‌علمی نگاه مثبتی به وضعیت این شاخص‌ها داشته‌اند. این تفاوت در نگاه بین دو جامعه هدف از موقعیت و زاویه دید متفاوت این دو گروه در ارتباط با کنکور ناشی می‌شود؛ اما به‌هرحال باید گفت شفافیت و پاسخگویی دو شاخص بسیار مهمی می‌باشند که به اصلاح خط‌مشی‌ها و قوانین،

۱. برخلاف دانشجویان، اعضای هیئت‌علمی معتقدند که شیوه گزینش متمرکز باعث تحقق عدالت می‌شود. دلیلی که معمولاً برای عادلانه بودن شیوه گزینش متمرکز ذکر می‌گردد این است که آزمون به‌صورت یکسان برای همه داوطلبین صورت می‌گیرد و هیچ‌گونه سوگیری در پذیرش داوطلبان وجود ندارد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

جلوگیری از فساد و تحقق عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو، کمک فراوانی می‌کند؛ بنابراین لازم است خط‌مشی‌گذاران و مجریان نسبت به این دو امر حساسیت بالایی داشته باشند. شاید یکی از چیزهایی که منجر به شفافیت پایین در سیستم گزینش دانشجو در ایران می‌گردد، پراکنده بودن قوانین و رویه‌های مربوط به‌گزینش دانشجو است؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد که تمام قوانین و رویه‌های مربوط به‌گزینش دانشجو در کتابچه‌ای یا دفترچه ثبت‌نام یا چیز دیگر، جمع‌آوری شوند. همچنین لازم است که در راستای پاسخگویی به درخواست‌ها و اعتراضات داوطلبین، یک سیستم پاسخگویی مؤثر ایجاد گردد.

همچنین در موارد دیگری مانند «فرصت برابر برای ورود به دانشگاه ازلحاظ برابری جنسیتی» و «توجه به افراد کم‌توان (جسمی)» نگاه دو گروه متفاوت بود. دانشجویان، دیدگاهی منفی نسبت به تحقق این موارد در سیستم گزینش دانشجو داشتند درحالی‌که اعضای هیئت‌علمی نگاهی مثبت داشتند. شاید بتوان دلیل این اختلاف (در مورد برابری جنسیتی) را این مسئله دانست که اعضای هیئت‌علمی صرفاً به قوانین مکتوب درزمینهٔ سیستم گزینش دانشجو توجه کرده‌اند اما دانشجویان فراتر از قوانین مکتوب سیستم گزینش دانشجو و به‌صورت کلی به مسئله نگاه کرده‌اند. این دیدگاه دانشجویان با نظریه سقف شیشه‌ای همخوانی دارد که بیان می‌کند در جامعه و سازمان‌ها، نیروهایی نامرئی وجود دارند که مانع از این می‌شوند زنان به مناصب و پست‌های بالاتر دسترسی داشته باشند (طالقانی، پورعزت و فرجی، ۱۳۸۸).

در آخر باید گفت که از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی، سیستم گزینش دانشجو در ایران نتوانسته به یکی از اهداف اصلی خود یعنی عدالت دست یابد و هرساله داوطلبان زیادی تحت تأثیر این سیستم گزینش متضرر می‌شوند یا حداقل این‌گونه احساس می‌کنند. همچنین باید گفت که با این سیستم گزینش دانشجو، رسیدن به اهداف اصلی آموزش عالی یعنی تولید دانش، توسعه کشور، تربیت نیروی انسانی و از بین بردن نابرابری‌ها در جامعه ممکن نیست؛ بنابراین لازم است خط‌مشی‌گذاران این حوزه، بدون تحت تأثیر قرار گرفتن از منافع سازمانی گروه‌های مختلف، نسبت به اصلاح سیستم گزینش دانشجو اقدام نماید. در غیر این صورت، این سیستم گزینش دانشجو که اساساً برای حل مشکلات آموزش عالی ایجادشده است خود می‌تواند منبع مسائل متعدد و بغرنج دیگری شود.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

منابع

امیدیان، مرتضی؛ رحمتی، امین و فرهادی راد، امین. (۱۳۹۷). تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن. *آموزش عالی ایران*، ۱۰(۲)، ۲۰-۱.

باقری خواه زهرا؛ عارفی، محبوبه و جمالی، احسان.(۱۳۹۰). وضعیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، اعضای هیئت‌علمی سازمان سنجش و مسئولان ذی‌ربط آموزش عالی. *اندازه‌گیری تربیتی*، ٦(۲)، ۱۳٦-۱۱۱.

جمالی، احسان. (۱۳۹۱). روند تأثیر موقعیت اجتماعی و اقتصادی بر عملکرد تحصیلی داوطلبان آزمون سراسری طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸. *آموزش عالی ایران*، ٤(٤)، ٥٦-۲۵.

جمالی، احسان؛ باقی یزدل، رقیه. (۱۳۹۵). چالش های بومی گزینی در آزمون سراسری آموزش عالی ایران. *آموزش عالی ایران*، ۸(۲)، ۳۰-۱.

حلاج دهقانی، عادل؛ فتحی‌واجارگاه، کورش؛ خسروی، اکبر و پوشنه، کامبیز. (۱۳۹۸). ارائه الگوی مطلوب جذب دانشجویان خارجی در دانشگاه آزاد اسلامی. مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱۰(۲۰)، ۳۹-۷.

ذوالفقار نسب، سلیمان؛ محمدی، رضا و حاتمی، جواد.(۱۳۹٦). رده‌بندی شناختی سؤالات بر اساس الگوی توان-پیچیدگی مطالعه موردی: سؤالات آزمون آزمایشی حساب دیفرانسیل. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۱(۳۹)، ۹٤-٤۷.

سجادی، رضا؛ کرمدوست، نوروز علی؛ درانی، کمال؛ صالحی، کیوان و مقدم زاده، علی. (۱۳۹٦). واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری. *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۸(۱٦)، ۱۹۳-۱٦۳.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

طالقانی، غلامرضا؛ پور عزت، علی‌اصغر و فرجی، بهاره. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر سقف شیشه‌ای بر کاهش توانمندی زنان در سازمان توسعه برق ایران. *مدیریت دولتی*، ۱(۲)، ۱۰۲-۸۹.

فرجی‌ده سرخی، حاتم و همکاران.(۱۳۹۵). سیستم پذیرش دکتری در ایران و دانشگاه‌های برتر: یک مطالعه تطبیقی. *علوم تربیتی*، ۲۳(۲)، ۳٤-۵.

قاسمی راد، مرضیه.(۱۳۹۰). پایان‌نامه *بررسی تطبیقی شیوه‌های گزینش دانشجو برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در ایران، سوئد و آلمان*: دانشگاه علامه طباطبایی.

قلخانباز، فاطمه و خدایی، ابراهیم. (۱۳۹۳). تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی داوطلبان آزمون سراسری ۱۳۸۹ بر موفقیت تحصیلی آن‌ها. *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ٤(۵)، ۷۹-۵۵.

مجتهدی، زهرا.(۱۳۷۲). پایان‌نامه *بررسی رابطه بین شیوه فعلی پذیرش دانشجو و موفقیت در دانشگاه*: دانشگاه علامه.

مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی سازمان سنجش آموزش کشور.(۱۳۸۸). بررسی پیامدهای بومی گزینی دانشجو در سال ۱۳۸۷.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری آموزش عالی ایران: شیوه‌های سنجش و پذیرش دانشجویان دکتری رشته روابط بین‌الملل. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۵(۳)، ۲۳٤-۲۰۹.

مهرعلی‌زاده، یداله؛ رجبی‌معماری، اسماعیل؛ الهام پور، حسین. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی سیاست بومی‌گزینی کنکور (تحلیل محتوای سایت‌های اینترنتی و رسانه‌های عمومی کشور). *آموزش عالی ایران*، ٤(٤)، ۱۵۸-۱۱۹.

نصراللهی‌نیا، فاطمه و علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۹۹). بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در دوره کارشناسی ارشد (موردمطالعه: گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی). *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱۱(۲۱)، ۹۷-۱۳۸.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

نوربخش، سیدمرتضی؛ حائری، سیدمجید.(۱۳۹۰). مطالعه جامعه‌شناسی موفقیت در کنکور. *نامه آموزش عالی*، ٤(۱۵)، ۳۳-۵۷.

Creswell, John W. Creswell, J.David.(2018). Research design: qualitative, quantitative, and mixed methods approachs.Fifth edition.Los Angeles: Sage.

Fee Yean, T. and Yusof, A. (2016). Organizational Justice: A Conceptual Discussion. *Social and Behavioral Sciences*, Volume 219, 798 – 803.

Graso, M. et al. (2019). Organizational justice enactment: An agent-focused review and path forward. *Vocational Behavior*, *https://doi.org/10.1016/j.jvb.2019.03.007*.

Konow, J. (2003). Which Is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theories. *Economic Literature*, 41(4), 1188-1239.

Lambert, E. et al. (2019). The effects of distributive and procedural justice on job satisfaction and organizational commitment of correctional staff. *The Social Science Journal*, https://doi.org/10.1016/j.soscij.2019.02.002.

Nadiri, H. and Tanova, C. (2010). An investigation of the role of justice in turnover intentions, job satisfaction, and organizational citizenship behavior in hospitality industry. *Hospitality Management*, 29 (1), 33-41.

Niessen, A. Meijer, R. and Tendeiro, J. (2017). Applying organizational justice theory to admission into higher education: Admission from a student perspective. *Selection and assessment*, 25(1),72-84.

Prakhov, I and Yudkevich, M. (2019). University admission in Russia: Do the wealthier benefit from standardized exams? *Educational Development*, Volume 65, 98–105.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]

Pu, Y. (2019). College admission in three Chinese provinces: Provincespecific versus pooling quotas. *China Economic Review,https://doi.org/10.1016/ j.chieco.2019.04.007*.

Sabbagh, C. and Resh, N. (2016). Unfolding Justice Research in the Realm of Education. *Social Justice Research*, Volume 29, 1–13.

Velez, M. and Neves, P. (2017). The relationship between abusive supervision, distributive justice and job satisfaction: A substitutes for leadership approach. *Revue européenne de psychologie appliquée*, 67 (4), 187–198.

Zhang, Jiekuan. (2017). Evaluating regional low-carbon tourism strategies using the fuzzy Delphi- analytic network process approach**.** *Cleaner Production***,**141(2017), 409– 419.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1399.12.4.6.9]